



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و چهارم، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

تحلیل فقهی، حقوقی و پزشکی قتل مجنون و چالش‌های فراروی کیفر آن

جمال بیگی^۱ *، مهرداد تیموری^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.
۲. دانش‌آموخته دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: قصاص قاتل در قتل مجنون یکی از مسائل بسیار مهمی است که فقهای اسلامی، نظریه‌ها و احکامی را با دلایلی خاص درباره این مسئله بیان نموده‌اند. هرچند عدم قصاص قاتل در قتل مجنون در آیات قرآن مورد تصریح قرار نگرفته؛ اما روایت ابی بصیر از امام باقر (ع) در این باره موجود است. هدف از این پژوهش مقایسه و تطبیق حکم قتل مجنون از دیدگاه فقهای اسلامی و چالش‌های حقوقی آن می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی انجام شده و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بر همین اساس، ضمن تعریف جنون از منظر فقهی، حقوقی و پزشکی، به بررسی کیفر قتل مجنون از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی پرداخته و چالش‌های حقوقی کیفر قتل مجنون مورد ارزیابی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از این است در موردی که عاقل مجنونی را به قتل برساند، بنابر دیدگاه مشهور فقهای امامیه و با استناد به روایت ابی بصیر از امام باقر (ع) و معنای عبارت «لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يَقَادُ مِنْهُ» قاتل قصاص نمی‌شود. این امر برخلاف دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت است که معتقدند در قتل مجنون، قاتل عاقل قصاص می‌شود. اختلاف مذکور در کیفر قتل مجنون در میان فقهای امامیه و اهل سنت ناشی از مبانی فقهی و اصولی بین این مذاهب می‌باشد و از آنجا که تعریف قتل عمدی بر مورد بحث مسلم است؛ بنابراین با وجود مقتضی و عدم مانع، عدم قصاص عاقل به خاطر قتل مجنون منحصر در مورد حمله و تهاجم مجنون می‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

واژگان کلیدی:

قاتل

قتل عمد

مجازات

مجنون

* نویسنده مسئول: جمال بیگی

آدرس پستی: گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

پست الکترونیک:

Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

۱. مقدمه

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین ادیان، به حفظ جان و تمامیت جسمانی انسان توجه ویژه داشته و بارها بر آن تأکید کرده است (۱). براساس تعالیم متعالی دین اسلام یکی از حقوق مسلم بشریت حفظ جان اوست، به طوری که هیچ فردی بدون دلیل مشروع اجازه تعدی به این حق انسانی را ندارد (۲). قتل عمد گرفتن جان دیگری بدون مجوز شرعی و قانونی است (۳). قتل یک انسان زنده، از مهم ترین جنایاتی است که نسبت به افراد انسانی انجام می شود. قتل نفس از یک طرف به اصل غیر قابل تعرض حیات انسان لطمه می زند و از طرف دیگر، امنیت جامعه را متزلزل می کند. به همین دلیل در ادیان مختلف، قباح جرم قتل مورد تأکید واقع شده است.

اجتهاد و استنباط احکام دینی، فقط براساس ظاهر نصوص و بدون توجه به فلسفه و حکمت های آن، با اهداف عالی دین مبین اسلام و روح شریعت اسلامی سازگار نیست (۴). یکی از موضوعات مهم در حقوق کیفری جنون می باشد. در اصطلاح حقوق، برخی حقوق دانان جنون را بیماری روانی دانسته اند که موجب سقوط قوه تمیز و زوال اراده فرد گردد (۵). برخی نیز جنون را وصف شخصی دانسته اند که فاقد قدرت تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است (۶). در اصطلاح فقه هم برخی فقهای امامیه جنون را فساد مستقر و تباهی تثبیت شده عقل دانسته اند (۷-۹). مطابق فقه اسلامی یکی از عوامل مؤثر در تعیین مجازات تساوی در عقل است (۱۰). زمانی که مجنون مرتکب قتل شخص دیگری می شود یا زمانی که انسان عاقلی، مرتکب قتل مجنون می شود، در مورد مسئولیت قاتل و میزان و نوع مجازات وی احکام و نظریه های مختلفی میان فقهای اسلامی وجود دارد. در حالتی که انسان عاقل، مجنونی را به قتل برساند، دیدگاه مشهور فقهای امامیه درخصوص کیفر قتل مجنون این است که عاقل به دلیل کشتن مجنون قصاص نمی شود و در حالتی که مجنون مرتکب قتل دیگری شود، نظر اجماعی فقها، عدم قصاص مرتکب می باشد و مخالفی در مسئله نیست (۱۷-۱۱). هرچند در مورد اعمال مجازات غیر

قصاص در مورد مجنون در این حالت اختلاف نظرهایی وجود دارد. لیکن براساس دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت در فرض قتل عمدی مجنون توسط شخص عاقل، قاتل قصاص می شود (۲۰-۱۸). از همین رو، این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی کیفر قتل مجنون در دیدگاه مذاهب اسلامی و حقوقی، کیفر قتل مجنون را در مقایسه با قتل عاقل، به چالش بکشد.

۲. پیشینه پژوهش

بر پایه نتایج مطالعات انجام یافته، تحقیقاتی که درخصوص قتل مجنون به رشته تحریر درآمده است عمدتاً به توصیف مجنون و شناخت جنون پرداخته اند. به عنوان نمونه در مقاله ای تحت عنوان «سفاهت از مقیاس گذاری های فقهی حقوقی تا معیارهای روان شناختی» به این نکته اشاره شده که اگر بخواهیم شناخت سفاهت را به معیارهای عقل شناسی ارجاع دهیم درحقیقت او را به آزمون های اختلال روانی حواله داده ایم که مربوط به کارکرد عقل و عدم آن است. (۲۱). همچنین در مقاله ای تحت عنوان «اعتبارسنجی مبنایی حکم عدم قصاص قاتل عاقل در قتل مجنون» به این نکته اشاره شده که آنچه ملاک قانون گذار در تعریف مجنون بوده «فقدان اراده و قوه تمیز» است. البته در ماده دیگری به زوال عقل و نقص حافظه که به حد جنون نرسد هم اشاره شده (ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی)، و این بدان معناست که هرگونه اختلال روانی را نمی توان جنون محسوب کرد (۲۲). در مقاله ای دیگر تحت عنوان «تحلیل فقهی - حقوقی اجرای حد بر محکوم علیه بعد از عروض جنون» به این نتیجه رسیده اند که اختلال روانی، شامل طیف بسیار گسترده ای از اختلالات است که طبیعتاً در هر مورد تشخیص نوع و شدت آن، با جلب نظر متخصص این امر ممکن خواهد بود (۲۳). در مقاله ای تحت عنوان «اجرای احکام کیفری نسبت به مجنون در حقوق کیفری ایران» نیز به این نکته اشاره شده که آنچه امروزه بیماری روانی خوانده می شود در قانون مجازات اسلامی با لفظ جنون ذکر شده است (۲۴). وجه تمایز مقاله حاضر با

۵. مفهوم شناسی

به منظور تبیین چالش‌های فراروی کیفر قتل مجنون در ایران، ایجاد شفافیت مفهومی ضروری است؛ لذا در ادامه به توضیح مفاهیم می‌پردازیم.

۵-۱. قتل عمد

قتل از نظر لغت‌شناسان، مأخوذ از ریشه عربی و به معنای کشتن، آمیختن شراب با آب، شکستن و کاستن از شدت سرما و گرسنگی نیز هست (۲۵). اصل قتل، ازاله روح از بدن می‌باشد (۲۶). در فقه اسلامی قتل عمد به نحو ذیل تعریف شده است: «ازهاق النَّفْسِ المَعْصُومَةِ المِکْفَأْتَهُ عَمْدًا وَ عُدْوَانًا» خارج کردن نفسی که محترم است به صورت عمدی و عدوانی (۲۷). محقق حلی در شرایع الاسلام و شهیدین در الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة در بیان ضابطه قتل عمد، شبه عمد و خطای محض می‌فرمایند: در قتل عمد: در فعل و قصد خود عمد باشد. در شبه عمد: عمد بودن در انجام فعل و نداشتن قصد. در خطای محض: در هر دو اشتباه شود؛ و نیز درباره چگونگی تحقق قتل عمد می‌فرمایند: قصد یک فرد بالغ عاقل برای کشتن با چیزی که اغلب می‌کشد حاصل می‌شود، حتی اگر قصد کشتن با چیزی را داشته باشد که به ندرت می‌کشد. (۱۰، ۲۸)؛ لذا در تعریف قتل عمد آمده است «و ضابط العمد انَّ یكون عَامِدًا فِی فِعْلِهِ وَ قَصْدِهِ»، مرتکب هم قصد رفتار انجام شده بر روی مقتول را دارد و هم قصد کشتن او را چه «بِمَا یَقْتُلُ غَالِبًا» باشد و چه «بِمَا یَقْتُلُ نَادِرًا» و قتل واقع شود، در قتل شبه عمد می‌گویند: «و ضَابِطُ الشَّبِیْهِ انَّ یكون عَامِدًا فِی فِعْلِهِ مُخْطِئًا فِی قَصْدِهِ». مراد این است که مرتکب قصد رفتاری را دارد که منتهی به قتل شده است، ولی قصد کشتن مجنی علیه را ندارد. این نوع قتل بدان جهت که قصد فعل در آن وجود دارد شبیه قتل عمد است و از این حیث که قصد نتیجه (کشتن) در میان نیست به خطای محض شباهت دارد که در تعریف آن گفته‌اند «و ضابط الشَّبِیْهِ الْخُطَا

تحقیقات سابق مرتبط با احکام مربوط به مجنون این است که نوشتار پیش‌رو به صورت بین رشته‌ای ضمن بیان دیدگاه فقه‌های مذاهب اسلامی به بررسی چالش‌های فراروی کیفر قتل مجنون می‌پردازد.

۳. مواد و روش‌ها

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای بوده است. بر همین اساس، ضمن تعریف جنون از منظر فقهی، حقوقی و پزشکی، به بررسی کیفر قتل مجنون از دیدگاه فقه‌های مذاهب اسلامی پرداخته و چالش‌های حقوقی کیفر قتل مجنون مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از این است که اگر صراحت دلالت روایت ابی بصیر نبود، نمی‌شد که حکم به عدم قصاص عاقل در صورت به قتل رساندن مجنون کرد؛ چرا که چنین استثنایی از عمومات و اطلاعات آیات قرآن و قواعد حقوقی دال بر قصاص، مستفاد نمی‌گردد. لذا درخصوص قصاص قاتل در قتل مجنون مشهور فقه‌های امامیه به حدیث «لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا یُقَادُ مِنْهُ» که از امام باقر (ع) می‌باشد استناد کرده و از همین رو قاتل مجنون را فاقد مسئولیت کیفری دانسته‌اند. در حالی که این امر برخلاف نظر مشهور فقه‌های اهل سنت است که معتقدند برای کشته شدن مجنون، عاقل نیز قصاص می‌شود؛ لذا عدالت کیفری ایجاب می‌کند از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز بزه‌دیدگان مجنون در صورت عدم حمله مورد حمایت مقنن قرار گیرند. همچنین مطابق شاخصه‌های اصلی جنون که شامل درجاتی از بیماری‌هایی نظیر اسکیزوفرنی، مانیا، اختلالات هذیانی و توهمات، زوال عقل و برخی موارد اختلالات شخصیتی - عصب‌شناختی است که شخص مجنون نامیده می‌شود. لذا با در نظر گرفتن این بیماری‌ها برای تعیین مصادیق جنون در فقه پزشکی می‌توان استفاده کرد.

۳-۵. مجنون از منظر پزشکی

در یونان قدیم، بیماری روانی را مقدس دانسته و معتقد به حلول روح خدایی در جسم بیمار بودند و بیمار مورد احترام آن‌ها بود. برعکس در هند حلول روح شیطانی را عامل ناراحتی‌های روانی دانسته و بیمار مورد خشم قرار می‌گرفت. بقراط بیماری جنون را ناشی از اختلال مشاعر می‌دانست که همانند دیگر بیماری‌ها می‌بایست در جهت درمان آن اقدام کرد. افلاطون چنین بیمارانی را غیرمسئول می‌دانست و از مردم جهت پرستاری آن‌ها کمک می‌خواست. بوعلی‌سینا ضمن انکار تلازم بین بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمی، عامل بیماری روانی را ضایعات مغزی دانسته و از میان چهار نوع مزاج سودایی، صفراوی، دموی و بلغمی، سودایی‌ها را مستعد برای بیماری روانی می‌دانست و به درمان آن‌ها می‌پرداخت. سرانجام پس از سال‌ها، در قرن هفدهم پائولوژاکی^۱ در کتاب خود تأکید کرد که تنها پزشکان می‌توانند در مورد حالات روانی افراد قضاوت کنند و در قرن هجدهم نیز فردی به نام فیلیپ پینل^۲ فصل جدیدی را درخصوص بیماران روانی گشود و متخصصانی دیگر نظیر ژان اتیین اسکیرول^۳ با مطالعات دقیق علمی خود توانستند جنون را به‌عنوان نوعی بیماری روانی اعلام کنند. در قرن نوزدهم نیز مفهوم جنون را در تحقیقات جان هسلم^۴ پزشک انگلیسی می‌توان مشاهده کرد. او در اثری تحت عنوان «مشاهده‌هایی درباره جنون و مالیخولیا» که در سال ۱۸۰۹ منتشر شد، به توصیف اختلالی که آن را «شکلی از جنون» می‌نامید، پرداخت (۳۵).

اولین نظام طبقه‌بندی برای بیماری‌های روانی، توسط امیل کریپلین^۵ روان‌پزشک آلمانی به وجود آمد؛ و اوینگن بلولر^۶ روان‌پزشک سوئیسی با ترکیب دو اصطلاح یونانی دوپارگی^۷ و

أَنْ يَكُونَ مُخْطِئاً فِي فِعْلِهِ وَ قَصْدِهِ»، نه قصد رفتار بر روی مجنی علیه در بین است و نه قصد نتیجه (کشتن) لکن قتلی اتفاق بیفتد (۲۹). هم‌چنین امام خمینی در تحریرالوسیله در تعریف قتل عمد محض می‌فرماید: «عمد محض، به قصد کشتن با آنچه که می‌کشد ولو به‌ندرت؛ و به قصد فعلی که غالباً با آن کشته می‌شود، اگرچه قصد قتل را به آن ننماید، تحقق پیدا می‌کند.» (۳۰). بنابراین قتل عمد آن است که عملی که انجام می‌یابد از روی قصد بوده و مقصود از انجام آن نیز کشتن مقتول باشد.

۲-۵. مجنون از منظر فقهی و حقوقی

جنون از نگاه فقه، مفهومی عام و تشکیکی است که شامل تمامی عارضه‌های روحی منجر به فقدان ادراک، تمیز و اراده می‌شود و هرگونه اختلال روانی دارای این شرط در دایره افراد مجنون و فاقدین مسئولیت قرار می‌گیرد (۳۱). مجنون از ریشه «جن - یجن» می‌باشد (۳۲) و به شخصی که عارضه جنون در وجود او می‌باشد «مجنون» گویند. بدین ترتیب در اصطلاح، به کسی که خوب و بد گفتار و اعمال ارتکابی خود را تشخیص نمی‌دهد، مجنون یا دیوانه گویند. هم‌چنین، مطابق ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی در زمان ارتکاب جرم هرگاه مرتکب دچار اختلال روانی بوده به‌نحوی که فاقد اراده و یا قوه تمیز باشد، مجنون محسوب شده و فاقد مسئولیت کیفری است؛ بنابراین، مطابق دیدگاه فقه و قانون مجازات اسلامی در باب اختلالات روانی، هرگونه عملی که شخص بیمار در نتیجه اختلال قوای ادراکی و زوال عنصر اراده و قدرت تشخیص خوب و بد مرتکب شود تحت عنوان جنون یا عته یا هر عنوان دیگری که قرار گیرد، سبب رفع ضمان کیفری از شخص می‌شود (۳۳). به دیگر سخن، مجنون قدرت تشخیص و تمیز نسبت به رفتارهای خود و دیگران را ندارد. اعمال وی از روی اراده صورت نمی‌گیرد. از دیدگاه فقهی و حقوقی چنانچه فرد به درجه‌ای از فقدان شعور و اراده برسد که قادر به انجام اعمال حقوقی نباشد، رفتارهای مجرمانه وی فاقد مسئولیت کیفری است (۳۴).

1. Paulozaki
2. Philippe Pinel
3. Jean-Étienne Esquirol
4. John Haslam
5. Emil Kraepelin
6. Eugen Bleuler
7. Schizen

اعم از مصادیق جنون در پزشکی قانونی می‌باشد، می‌توان گفت، نه تنها جنون در روان پزشکی با جنون در حقوق کیفری تناقض و ضدیت ندارد بلکه مصادیق فقدان قوه تشخیص و اراده در حقوق کیفری با مصادیق آن در روان پزشکی تا حدود زیادی هم‌پوشانی دارد (۴۱).

۶. کیفر قتل مجنون از دیدگاه فقه‌های اسلامی

دین اسلام به عنوان شریعت جامع و جاودانه در آیات قرآن کریم و احادیث معصومان به عنوان دینی آسان و همراه با تسهیل معرفی شده است؛ منشاء این تعبیر، روایت نبوی «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ السَّامَةِ السَّهْلَةِ» است (۴۲). مراد از سَمَحَة و سهله، راحت و آسان است. تردیدی نیست مهم‌ترین بخش دین که مرتبط با افعال مکلفین است، احکامی است که در دوران غیبت توسط مجتهدان از منابع اولیه استنباط شده و در اختیار مقلدان قرار می‌گیرد (۴۳). فقه‌های مذاهب اسلامی به اتفاق نظر مجازات قتل عمد را قصاص می‌دانند (۴۴). لیکن، در بحث کیفر قتل مجنون توسط شخص عاقل، در بین فقه‌های امامیه با فقه‌های اهل سنت اختلاف وجود دارد؛ که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۶-۱. کیفر قتل مجنون از دیدگاه فقه‌های امامیه

فقه‌های امامیه به اتفاق معتقدند که اگر شخص عاقل، مجنونی را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود. همچنان‌که در کتب شیخ کلینی، شیخ طوسی، شیخ حر عاملی، علامه مجلسی، ابن ابی جمهور احسائی، ابن بابویه و ابن ادریس حلی در این حکم به صحیحی ابنی بصیر استناد شده است (۱۷-۱۱). روایت چنین است: ابی بصیر می‌گوید «از امام باقر (ع) پرسیدم: مردی، مجنونی را کشته است، حکم چیست؟ فرمود: اگر مجنون قصد حمله به او را داشته و وی از خود دفاع کرده و در نتیجه مجنون کشته شده است، چیزی بر عهده او نیست، نه قصاص و نه دیه و دیه مجنون را از بیت‌المال به ورثه او می‌دهند و فرمود: در صورتی نیز که بدون اینکه مجنون قصد حمله به وی

روانی^۱ اصطلاح روان‌گسیختگی^۲ را ابداع کرد (۳۶). همچنین، روان‌پریشی^۳ نیز به معنای وضعیت روانی غیرطبیعی‌ای است که در روان‌پزشکی برای بیان حالت «از دست رفتن توانایی تشخیص واقعیت از خیال» به کار می‌رود؛ و دربرگیرنده دسته‌ای از اختلالات روانی است که در طول آن‌ها بیمار دچار علائمی مانند توهم یا هذیان شود. هرگاه این علائم در افراد منجر به بروز اختلال در کارکرد یا بروز دیسترس شود، (۳۷) می‌توان نام اختلال را بر آن گذاشت.

امروزه جدیدترین طبقه‌بندی اختلال‌های روانی، در «نسخه پنجم راهنمای آماری و تشخیص اختلال‌های روانی» آمده است که از میان اختلال‌های روانی (مالیخولیا، مانیا، زوال عقلی، روان‌گسیختگی و عقب‌ماندگی ذهنی)، عنوان اختلال مالیخولیا رخت بسته با دیگر اختلال‌ها ترکیب شده است (۳۸)؛ لذا در طبقه‌بندی جدید زوال عقل با عنوان اختلال عصبی - شناختی^۴، روان‌گسیختگی^۵، آشفتگی^۶ و عقب‌ماندگی ذهنی با عنوان اختلال رشدی ذهنی^۷، از جمله بیماری‌های روانی ذکر شده است (۳۹). مفهوم جنون از نظر روان‌پزشکی با مفهوم جنون حقوقی متفاوت است. در اصطلاح روان‌پزشکان جنون به عنوان روان‌پریشی گفته می‌شود و روان‌پریشی یکی از ۱۷ نوع اختلال روانی در طبقه‌بندی انجمن روان‌پزشکان آمریکا است. بنابراین میان مفهوم جنون حقوقی و روان‌پریشی در نظر روان‌پزشکان عموم و خصوص مطلق حاکم است؛ زیرا مفهوم جنون حقوقی عام و مفهوم مدنظر روان‌پزشکان خاص است پس بر هر مفهوم جنون روان‌پزشکی جنون حقوقی صادق است ولی بر بعضی از مصادیق جنون حقوقی، جنون روان‌پزشکی صدق می‌کند و بر بعضی از مصادیق صدق نمی‌کند (۴۰). با وجود آنکه مصادیق جنون در حقوق کیفری

1. Phren
2. Schizophrenia
3. Psychosis
4. The neurocognitive disorders NCDs
5. Schizophrenia
6. Mania
7. Intellectual Development Disorder IDD

را داشته باشد کشته شده است، پس برای کسی که خود قصاص نمی‌شود، قصاصی نیست و از نظر من حکم آن است که قاتل از مال خویش دیه را به ورثه مجنون بپردازد و خود از خداوند عَزَّوَجَلَّ طلب آمرزش کرده و به‌سوی او توبه نماید» (۴۵). لذا در بررسی سند روایت خبر دارای شهرت روایی است؛ چراکه محمدون ثلاث این خبر را روایت کرده‌اند. وجه برتری دیگر این روایت وجود دو تن از اصحاب اجماع؛ یعنی حسن بن محبوب و ابابصیر مرادی در سلسله روات آن است. وثاقت برخی از راویان مانند: علی بن ابراهیم، پدرش و نیز علی بن رثاب مورد اتفاق اصحاب است و در مورد سهل بن زیاد در نقل جناب کلینی، گرچه مشهور محققان او را ضعیف دانسته و یا توثیقش را ثابت ندانسته‌اند؛ اما در طریق نقل شیخ صدوق، سهل بن زیاد وجود ندارد؛ بلکه سعد بن عبدالله و احمد بن محمد بن عیسی، حضور دارند که هر کدام برای اعتبار روایت کافی است. بنابراین اطلاق صحیح (۴۶-۴۷) به روایت ابی بصیر مطابق با ضوابط دانش رجال می‌باشد. همان‌طور که مشاهده می‌شود این صحیح دارای دو بخش می‌باشد:

بخش اول ضمان مجنون در صورت حمله و به قتل رسیدن که فرمودند اگر مجنون حمله کرد و عاقل در مقام دفاع از جان خودش مجنون را به قتل رساند، در این صورت قصاص نشدن قاتل مورد اتفاق فقها است. بنابراین باید دیه قتل از بیت‌المال به ورثه مقتول داده شود. لذا عبارت فقهی «لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ» عبارتی کلی است که اشخاص غیر مجنون از کسانی که قصاص نمی‌شوند را نیز شامل می‌شود؛ مقتضای عموم «فَلَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ» این است که هر کسی که «لَا يُقَادُ» بر او صدق کند، قاتلش قصاص نمی‌شود (۴۸).

بخش دوم ضمان در برابر قتل مجنون که امام (ع) فرموده‌اند: اگر بدون اینکه مجنون حمله‌ای کرده باشد، جانی او را به قتل برساند و قتل حالت دفاعی نداشت «فَلَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ»، برای کسی که از او قصاص نمی‌شود، قصاصی نیست. در ادامه بخش دوم روایت آمده است که امام (ع) فرمودند: کسی که مجنون را کشت قصاص نمی‌شود؛ اما باید دیه مقتول را از مال

خود پرداخت نماید. البته این در صورتی است که قتل عمد یا شبه عمد باشد، ولی اگر قتل خطای محض باشد، عاقله شخص مسئول پرداخت دیه است. این حکم مورد اتفاق همه فقها است. در بسط نظر فوق همان‌طور که مستفاد از ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی جنایت در مواردی عمدی محسوب می‌شود که برابر بند (الف) مرتکب با انجام کاری «قصد» ایراد جنایت را داشته باشد و برابر بند (ب) هرگاه مرتکب، «عمداً» کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد، هرچند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی «آگاه و متوجه» بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود و در بندهای (ت) و (ث) نیز بر قصد ارتکاب جنایت تأکید شده است. همچنین تبصره ۱ ماده بیان می‌دارد که عدم آگاهی و توجه مرتکب باید اثبات گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی است؛ و مطابق تبصره ۲ باید آگاهی و توجه مرتکب به اینکه کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد. از سویی نیز، با توجه به اینکه جنون از دیدگاه پزشکی یک نوع بیماری است که بر شخص عارض می‌شود و مطابق ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی جنون به معنای اختلالی روانی دانسته شده که منجر به فقدان اراده یا قوه تمیز می‌شود، شخص مجنون که فاقد اراده در قصد و انجام کار عمدی تلقی می‌شود و قدرت تمیز نیز ندارد آگاه و متوجه اعمال خود نیست؛ لذا چون عمدی و قصدی وجود ندارد، قتل عمد محقق نیست. ولی در صورتی که قاتل عاقل باشد، قتل عمد محقق گردیده؛ بنابراین، مقایسه قتل عمدی عاقل نسبت به مجنون با قتل غیرعمدی مجنون نسبت به عاقل صحیح نیست.

۲-۶. کیفر قتل مجنون از دیدگاه فقهای اهل سنت

مطابق دیدگاه مشهور فقهای حنبلی و حنفی، شخص عاقل، با کشتن مجنون، قصاص می‌شود (۱۸) و یکی از فقهای حنفی، به یک دلیل عقلی استناد می‌کند و آن این است که چون در بین این دو گروه «عاقل و مجنون» مساوات در عصمت وجود دارد و آنچه در باب قصاص معتبر می‌باشد، مساوات در عصمت

می‌باشد؛ پس قصاص بر عاقل در صورت به قتل رساندن مجنون جاری می‌شود. همچنین، مطابق نظر فقهای مالکی نیز فرد عاقل سالم در برابر فرد بیمار قصاص می‌شود؛ چراکه شرایط تکلیف در مجنی علیه اعتبار ندارد (۱۹).

فقهای شافعی نیز همانند سایر فقهای اهل سنت معتقدند که اگر شخص عاقل، مجنونی را به قتل برساند، قصاص می‌شود و جنون مقتول باعث سقوط قصاص از قاتل نمی‌شود. ماوردی می‌گوید: اگر شخص عاقل، مجنونی را به قتل برساند، شخص عاقل قصاص می‌شود؛ زیرا شرط تکلیف در قاتل معتبر است، نه مقتول (۲۰). این دیدگاه‌های فقهی اهل سنت در تساوی و عدم تبعیض بین انسان‌ها به بهره‌مندی از حقوق و تکالیف اشاره دارند که در فرض قتل عمدی مجنون توسط شخص عاقل، قصاص شامل می‌گردد.

در راستای تحلیل دیدگاه فقهای امامیه و اهل سنت در بحث قصاص عاقل در قتل مجنون به نظر می‌رسد که علی‌رغم دیدگاه مشهور فقهای امامیه که با استناد به روایت ابی بصیر قاتل را مستحق قصاص ندانسته‌اند و در نقد این دیدگاه با توجه به اینکه جان انسان‌ها برابر حقوق اسلام برابر است و حفظ جان از واجبات است و درخصوص حفظ حیات انسان‌ها خداوند تعالی در آیه ۳۳ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ» و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید. و برابر تفسیر آیه ۳۲ سوره مائده «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» که به علت تساوی همه انسان‌ها در حق حیات، نادیده گرفتن حق حیات هر انسانی مساوی با انکار این حق برای همه انسان‌ها است (۴۹). لذا، هیچ انسانی نمی‌تواند حق حیات را که خداوند برای کمال وی مقرر داشته از وی سلب کند (۵۰). در راستای تساوی و عدم تبعیض بین انسان‌ها در حیات تفاوتی در مجنون و عاقل وجود ندارد. همچنین خداوند تعالی در آیه ۷۰ سوره اسراء می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. بنابراین ذات باری تعالی برای

انسان کرامت قائل است و کرامت انسان به معنای کرامت انسان بما هو انسان است و هیچ عنصر دیگری در کرامت انسان دخالت ندارد. کرامت انسانی، به معنی حرمت انسان است که در همه انسان‌ها وجود دارد (۵۱). و هیچ تبعیضی میان انسان‌ها قرار داده نشده است؛ لذا عاقل و مجنون نیز دارای اشتراک در کرامت انسانی هستند. اساساً فقه و حقوق اسلام در بستر عدالت است؛ لذا به منظور لزوم رعایت عدالت در صورت عدم تهاجم مجنون با اختیار دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت که برای کشته شدن مجنون عاقل نیز قصاص می‌شود، اتخاذ می‌گردد؛ چراکه مساوات در عصمت وجود دارد و شرط تکلیف همچنان در قاتل عاقل معتبر است. این اختلاف در کیفر قتل مجنون در میان فقهای امامیه و اهل سنت ناشی از مبانی فقهی و اصولی بین این مذاهب می‌باشد و از طرفی شمول تعریف قتل عمدی بر مورد بحث مسلم است؛ بنابراین با وجود مقتضی و عدم مانع، عدم قصاص عاقل به‌خاطر قتل مجنون منحصر در مورد حمله و تهاجم مجنون می‌شود.

۳-۶. دیدگاه فقها درخصوص پرداخت دیه قتل مجنون مهاجم

با وجود اینکه روایت ابی‌بصیر تصریح دارد اگر شخص به‌عنوان دفاع از جان خود، مجنون را به قتل برساند، یقیناً قصاص یا دیه به عهده قاتل نیست و دیه از بیت‌المال داده می‌شود؛ لیکن در ادامه دیدگاه‌های فقهای امامیه و اهل سنت در خصوص پرداخت دیه مجنون و همچنین این مسئله که دو قول و روایت در مورد آن وجود دارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در قول اول عدم پرداخت دیه در قتل دفاعی مجنون، مرحوم صاحب جواهر از جمعی از بزرگان نقل می‌کند که هیچ دیه‌ای پرداخت نمی‌شود و خون مقتول مجنونی که به قاتل حمله کرده بود و قاتل به‌عنوان دفاع او را کشته، هدر است (۵۲). شیخ طوسی، شهید ثانی و ابن ادریس حلی نیز معتقدند که اگر مجنون حمله کند و به قتل برسد، خون او هدر می‌باشد و هیچ دیه‌ای به او تعلق نمی‌گیرد (۱۷، ۵۴-۵۳). همچنین مرحوم محقق در شرایع فتوا نمی‌دهد بلکه می‌گوید اگر مجنون حمله کند و عاقل از خودش دفاع کند در صورت

مسئولیتی اعم از مدنی و کیفری بر عهده قاتل نمی‌باشد (۶۲). دیدگاه مورد قبول مقنن ایران که با حمایت از بزه‌دیده هم‌سویی دارد به شرح تبصره ۳ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چنین آمده است که «... در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود». البته در مسئله دفاع مشروع تفاوتی بین جنون یا عدم جنون حمله‌کننده وجود ندارد.

۷. چالش‌های حقوقی کیفر قتل مجنون

از شرایط ثبوت قصاص تساوی در عقل میان قاتل و مقتول است طوری که فقدان آن موجب انتفای قصاص می‌گردد. دفع کیفر قصاص در این شرایط، گاه از آن جهت است که عدم تعقل جانی موجب تحول ماهوی قتل شده و آن را از صورت جنایت عمدی خارج می‌سازد. چنان‌که جنایات مجنون عمد تلقی نشده و آن را از موارد جنایت در حکم خطایی محض که موجب ضمان عاقله است، قلمداد کرده‌اند. لیکن در مواردی به رغم عمدی بودن جنایت، عدم تساوی در عقل مانع ثبوت قصاص است.

درخصوص کیفر قانونی قتل عمدی مجنون توسط عاقل در سیر تقنینی می‌توان اذعان داشت که برابر ماده ۱۸ از قانون حدود و قصاص و مقررات آن مصوب ۱۳۶۱ بر عدم قصاص قاتل و پرداخت دیه در قتل مجنون اشاره شده بود؛ و در ماده ۲۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ علاوه بر عدم قصاص و پرداخت دیه در قتل مجنون به مجازات حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال در صورت اخلاص در نظم جامعه یا خوف و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران نیز اشاره شده بود. که در ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نیز تکرار شده بود. همچنین در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، با اِبتنای بر برخی روایت‌های اسلامی معتبری که گفته شد، عاقل بودن مقتول را از دیگر شرایط قصاص نفس دانسته و لذا به حکم ماده ۳۰۱، جنون مقتول موجب می‌شود که قتل عمدی او، موجب قصاص نشود؛ بلکه چنین قاتلی برابر ماده ۳۰۵ علاوه بر پرداخت دیه

کشته شدن مجنون خودش مباح است (۵۵). در قول دوم نیز لزوم پرداخت دیه از بیت‌المال در قتل دفاعی مجنون است؛ همچنان‌که شیخ مفید فتوا داد و جمعی از بزرگان از جمله امام خمینی (ره) و آیت‌الله خویی تبعیت کردند (۵۶). امام خمینی (ره) نیز در تحریرالوسیله می‌فرمایند از بیت‌المال مسلمین به ورثه دیه می‌دهند (۵۷).

در مؤید روایت صحیح ابوبصیر که دیه قتل مجنون مهاجم را بر عهده بیت‌المال دانست، روایت دیگری از ابوالورد وجود دارد که می‌گوید در چنین موردی پرداخت دیه بر عهده امام است. ابی‌الورد: «قَالَ قُلْتُ لَابِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَوْ لَابِي جَعْفَرٍ (ع) أَصْلَحَ اللَّهُ رَجُلٌ حَمَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مَجْنُونٌ فَضَرَبَهُ الْمَجْنُونُ ضَرْبَةً» ابوالورد می‌گوید به امام باقر (ع) یا امام صادق (ع) عرض کردم مجنونی به شخصی حمله کرد یک ضربه هم به این شخص زد «فَتَنَاوَلَ الرَّجُلُ السِّيفَ مِنَ الْمَجْنُونِ» این شخص پرید شمشیری که در دست مجنون بود را گرفت «فَضَرَبَهُ فَقَتَلَهُ» و با یک ضربه شمشیر مجنون را کشت حکم قاتل چیست؟ «فَقَالَ» امام فرمود «أَرَى أَنْ لَا يَقْتُلَ» نظرم این است که این شخص قاتل را قصاص نمی‌کنند «وَأَوْ لَا يَغْرَمُ دِيَتَهُ» غرامت دیه مجنون هم به عهده قاتل نیست «وَتَكُونُ دِيَتُهُ عَلَى الْإِمَامِ» دیه آن مجنون به عهده امام است «وَأَوْ لَا يَبْطُلُ دِمَاهُ» و خون مجنون هدر نمی‌رود (۴۹). بنابراین قول حق در مسئله این است که قاتل برای دفاع از خودش مجنون را کشته و بنابراین نه قصاص دارد و نه دیه‌ای بدهکار است؛ اما در مقابل مشهور که معتقد است دیه از بیت‌المال هم نباید پرداخت شود. می‌گوییم قول حق این است که دیه از بیت‌المال پرداخت شود.

همچنین دیدگاه فقهای اهل سنت درخصوص دیه مجنون این است که در صورتی که مجنون قصد حمله به شخص را داشته و شخص در مقام دفاع از جان خود او را به قتل برساند، قاتل مسئولیت کیفری ندارد، ولی مسئولیت مدنی او ثابت است و قاتل ملزم به پرداخت دیه مجنون می‌باشد (۶۱-۵۸). در این میان فقهای شافعیه معتقدند که در این صورت، هیچ

اختلاف نظرهای فقهی در این خصوص، تفاوتی به چشم نمی‌خورد.

۸. نتیجه‌گیری

با توجه به مبانی فقهی و اصولی بین مذاهب امامیه و اهل سنت در خصوص کیفر قتل مجنون توسط عاقل دیدگاه متفاوتی وجود دارد. همچنان‌که مطابق دیدگاه فقهای امامیه اگر صراحت دلالت روایت ابی‌بصیر نبود، نمی‌شد حکم به عدم قصاص عاقل در صورت به قتل رساندن مجنون کرد؛ چراکه چنین استثنایی از عمومات و اطلاقات آیات قرآن و قواعد حقوقی دال بر قصاص، مستفاد نمی‌گردد. همچنین، بنابر دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت در خصوص قتل مجنون توسط عاقل با توجه به اینکه مساوات در عصمت وجود دارد و شرط تکلیف همچنان در قاتل عاقل معتبر است. بنابراین اگر مجنون قصد حمله به شخص را نداشته باشد و شخص عمداً او را به قتل برساند، قصاص بر عهده قاتل واجب می‌شود. لیکن اگر مجنون قصد حمله به شخص را داشته و قاتل در مقام دفاع از جان خود او را به قتل برساند، قاتل مسئولیت کیفری ندارد، ولی مسئولیت مدنی او ثابت است و قاتل ملزم به پرداخت دیه مجنون می‌باشد؛ در این میان فقهای شافعیه معتقدند که در این صورت، هیچ مسئولیتی اعم از مدنی و کیفری بر عهده قاتل نمی‌باشد. در همین راستا با توجه به برابری جان انسان‌ها در حقوق اسلام و تساوی و عدم تبعیض بین انسان‌ها در حیات و از آنجا که عاقل و مجنون نیز دارای اشتراک در کرامت انسانی هستند و لزوم رعایت عدالت؛ لذا در صورت عدم تهاجم مجنون دیدگاه مشهور فقهای اهل سنت که برای کشته شدن مجنون عاقل نیز قصاص می‌شود اختیار می‌گردد. در خصوص کیفر قتل مجنون در فرآیند تقنینی ایران نیز هرچند به منظور حمایت از اشخاص مجنون قوانینی وضع شده است لیکن از جهت تبعیض حق شهروندان در تساوی کیفرها منافات داشته و برخلاف پاسخ‌های حمایتی پیشنهادی

به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» نیز محکوم می‌شود. لذا، در تحولات مجازات قاتل مجنون در بحث تعزیر به این نکته مهم باید اشاره شود که روند جرم‌انگاری قتل علیه مجنون این بوده که مقنن ایران در خصوص مجانین بزه‌دیده و تدارک تمهیداتی در مورد آن‌ها، نه تنها حقوق کیفری را در رسالت خود مبنی بر لزوم وضع مقررات حمایتی خاص برای مجانین بزه‌دیده با مشکل مواجه کرده، بلکه به نظر می‌رسد که تا حدودی از اصول قانون‌گذاری منصفانه به نفع مجانین بزه‌دیده و در راستای مبارزه مؤثر با قتل آن‌ها نیز عدول کرده است (۶۳). حقوق دانان نیز این موضوع را تحت عنوان «تساوی در عقل» مطرح نموده و بیان می‌دارند که مجنون به دلیل نداشتن عقل، یک انسان کامل نیست تا انسان کاملی در مقابل او قصاص شود. لازم به ذکر است در کلیه مواردی که در آن‌ها به هر دلیلی برای قاتل عمد مجازات تعزیری تعیین می‌شود، تعزیر غیر قابل تغییر است؛ منظور قانون‌گذار از عبارت تعزیر بدل از قصاص نفس، این بوده که مجازات قتل عمدی، اصالتاً و بالذات، قصاص است و در مواردی مانند قتل مجنون توسط عاقل عدم امکان قصاص به جهت فقد شرایط ثانویه‌ای است که در نظر گرفته شده، همچنان‌که قانون‌گذار در انشای ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز با عبارت «یا به هر علت قصاص نشود» به همین امر اشاره داشته که اصل در قتل عمدی، قصاص است و تعزیر در صورت فقد شرایط قصاص (اعم از گذشت شاک، فقد شاک، رابطه ابوت، عدم تساوی در دین و عقل یا ...) جانشین آن می‌شود؛ لذا عبارت تعزیر بدل از قصاص نفس تمامی این موارد را در بر می‌گیرد.

همچنان‌که این حکم در موضوع قتل عمدی مجنون با روایت امام باقر (ع) که می‌فرمایند: «لَا قَوْدَ لِمَنْ لَا يُقَادُ مِنْهُ» مطابقت دارد که تحلیل روایت فوق قبلاً مورد اشاره قرار گرفت. البته لازم به یادآوری است که از حیث دیه و میزان تعزیر در قتل‌های غیر عمدی، شبهه عمدی و خطای محض، بین مقتول مجنون و عاقل در مقررات موضوعه فعلی ایران علی‌رغم

بزه‌دیده‌شناسان برای جرائم علیه اشخاص آسیب‌پذیری مثل مجانین می‌باشد. از همین‌رو عدالت کیفری ایجاب می‌کند از منظر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نیز بزه‌دیدگان مجنون در صورت عدم حمله مورد حمایت مقنن قرار گیرند.

۹. پیشنهاد

پیشنهاد می‌شود مقنن در جهت وظیفه حمایتی تشدید خود از اشخاص آسیب‌پذیر، در مورد عدم قصاص قاتل عاقل در صورت کشتن مجنون، آن را فقط به موردی اختصاص دهد که مجنون مهاجم بوده است و در حالت غیر مهاجم بودن، تبعیض کیفری بین شهروندان عاقل و دارندگان اختلال روانی را از بین ببرد.

References

* The Holy Quran

1. Khosravi AH, Tajik AR. "A Comparative Study Of The Conditions Of Self-Retaliation In The Imami And Hanafi Religions". Journal of Motaleate Taghribi Mazahebe Eslami. 2012 (1391). 1(27): 16. [In Persian]
2. Heydari A. "A Jurisprudential Analysis and Criticism of Certain Articles of the Islamic Penal Code (on the Liability of Public Treasury towards the Compensation for Murder)". Journal of Islamic Jurisprudence and Law. 2008 (1387). 1(1): 66. [In Persian]
3. Akhundi S, Wahed Yarijan Y, Ahangariyan MR. "Criteria for distinguishing murder from the perspective of five Denominations". Journal of Theology. 2019 (1398). 12(48): 7. [In Persian]
4. Zolfaghartalab M, Jamali M. "The Retaliation of Parents for the Intended Murder of their Bairn in the View of Islamic Religions". Journal of Fighe Moqaran. 2014 (1392). 1(2): 92. [In Persian]
5. Guldūzīyān, Ī. Bāyastih Hāyi Huqūq Jazāyi 'Umūmī. 15nd ed. Tehran: Mīzān. 2006 (1384). 15: 48. [In Persian]
6. Ja'farī Langirūdī, MJ. Tirmīnuluzhī Huqūq. 10nd. Tehran: Ganj Dānish. 2008 (1386). 18: 29. [In Persian]
7. Faḍīl Miqdād, A. al-Tanqīḥ al-Rā'ih lil-Mukhtaṣar al-Shar'ī. Trans: Hosseini Kohmari, SA. Qum: Mar'ashī Najafī. 1983 (1404). 3:179. [In Arabic]
8. Faḍīl Hindī, M. Kashf al-Lithām. Qum: al-Nashr al-Islāmī. 1984 (1405). 2: 70. [In Arabic].
9. Ṭabāṭabā'ī Ḥā'irī, 'A. Rīyāḍ al-Masā'il. Qum: Āl al-Bayt. 1983 (1404). 2: 134. [In Arabic]
10. Ḥillī, J. Sharā'ī al-Islām Fī Masā'il al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Trans: Ali Bagal, AH. 2nd ed. Qum: Ismā'īlīyān. 1987 (1408). 4: 180. [In Arabic]
11. kulayni, M. al-Kāfi. Tehran: Dār al-Kitāb al-Islāmī. 1987 (1407). 7:294. [In Arabic]
12. Ṭūsī, M. Tahdhīb al-Aḥkām. Beirut: Dār al-Ta'aruf lil-Maṭbū'āt. 1963 (1342). 10: 231. [In Arabic]
13. Ḥurr 'Āmilī, M. Tafṣīl Wasā'il al-Shī'at Ilā Tahṣīl Masā'il al-Shī'ih. Qum: Āl al-Bayt li-Ihyā' al-Turāth. 1995 (1416). 28: 108. [In Arabic]
14. Majlisī, M. Biḥār al-Anwār. Beirut: Dār al-Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. 1989(1368). 101: 389. [In Arabic]
15. Ibn Abī Jumhūr Iḥsā'ī. 'Awālī al-Li'ālī al-'Azīzāt Fī al-Aḥādīth al-Dīniyyat. Qum: Siyyid al-Shuhadā. 1983(1403). 3:594. [In Arabic]
16. Ibn Bābawayh, 'A. 'Ilal al-Sharā'ī. 2nd ed. Qum: al-Maktabat al-Ḥaydariyyat. 2004 (1383). 2: 543. [In Arabic]
17. Ibn Idrīs, AH. al-Sarā'ir al-Ḥawī li-Taḥrīr al-Fatāwī. 2nd ed. Qum: Jimā'at Mudarrisīn Ḥuzat 'Ilmīyyat Qum. 1970 (1390). 2: 324. [In Arabic]
18. al-Barnahāburī, N. al-Fatāwā al-Hindīyyat. Beirut: Dār al-Ihyā' al-Turāth al-'Arabī. 1980 (1400). 6: 7. [In Arabic]
19. Zaḥīlī, W. Fiqh al-Mālikī al-Muyassir. Damascus: Dār al-Kalimat al-Ṭayyibat. 2000 (1420). 2: 507. [In Arabic]
20. Māwardī, A. al-Ḥawī al-Kabīr. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyyat. 2017 (1439). 12: 33. [In Arabic]
21. Amerinia MB, Pourjavaheri A. "Foolishness from legal jurisprudential scale stops ychologicalcriteria". Medical Fiqh Journal. 2021 (1400). 13(43): 8. [In Persian]
22. Kohan Torabi M, Lotfi M. "Basic assessment of the sentence of not retaliating against the wise killer in the insane murder". Journal of Studies of Islamic Jurisprudence and Basic of Law. 2021 (1400). 15(43): 164 & 151. [In Persian]
23. Abbasi M, Gholami N. "Legal-Jurisprudential Analysis of Had Execution on a Convicted after Madness". Medical Fiqh Journal. 2017 (1396). 9(30 & 31): 80. [In Persian]
24. Joodaki B, Abbasi M. "Enforcement of sentences against insane person in Iranian criminal law". Medical Law Journal. 2014 (1393). 8(29): 102. [In Persian]
25. Dehkoda, 'AA. Lughat Nāmih. 2nd ed. Tehran: University of Tehran. 1999 (1377). 15: 162. [In Persian]
26. Taherzadeh AA. "Conditions for a Homicide Preventing Inheritance and Its Comparative Studying in the Islamic Sects". Journal of Criminal Law Doctorines. 2007 (1386). 4(23): 118. [In Persian]
27. Shīrwānī, 'A. Tarjumih Wa Tabyyīn Sharḥ Lum'at. 4nd ed. Qum: Dār al-'Ilm. 2005 (1384). 4: 14. [In Persian]
28. Shahīd Thānī. al-Ruḥḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Damishqīyyat. Trans: Kalantar, M. 2nd ed. Qum: Maktabat al-Dāwarī. 1989 (1410). 10: 60. [In Arabic]
29. Malmir M, Shadmanfar MR, et al. "The criteria of premeditated murder in Imamiyyah jurisprudence and

- Iran's subject law". Journal of Jurisprudence, Law and Penal Sciences. 2018 (1397). 10(1): 56. [In Persian]
30. Khomeini SR. Tahrīr al-Wasīlat. Tehran: Tanzīm Wa Nashr Āthār Imām Khomeini. 2012(1434). 3: 147. [In Arabic]
31. Maleki Afzali M, Saidi M. "Review of Insanity in Shi'a and Sunni Jurisprudence with an Insight into the Islamic Penal Code". Journal of Islamic Jurisprudence Research. 2019 (1398). 15(2): 246. [In Persian]
32. Bustānī, F. Tarjumih al-Munjid al-Ṭullāb. Trans: Bandar Rigī, M. Tehran: Andīshih Islāmī. 2009 (1388). 1: 291. [In Persian]
33. Saeedi M. "Semantics of "the Mentally-disordered Person" in the Jurisprudence of Shiite and Sunni and His Liability in the Penal Code". Journal of Fiqh and Usul. 2021 (1400). 53(1): 92. [In Persian]
34. Miralvandi S, Fehrestī Z, Yaghooti E. "Expanding Examples of Madness According to the Concept and Criterion of Madness Perspective of Jurisprudence, Law and Psychology". Medical Law Journal. 2020 (1399). 14(54): 131-151. [In Persian]
35. Haslam J. Observations on Madness and Melancholy: Including Practical Remarks on Those Diseases, Together with Cases, and an Account of the Morbid Appearances on Dissection. 2nd ed. New York: J. Callow. 1809(1223). 1: 16.
36. Dadsitān, P. Rawānshināsī Maraḍī Taḥawwulī: Az Kūdakī Tā Buzurgsālī. Tehran: Samt. 2015 (1394). 1: 35 & 36. [In Persian]
37. Gelder M. Psychiatry. 1st ed. New York: Oxford University. 2005(1425). 1:12.
38. American Psychiatric Association. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders: DSM-5. 1st ed. Washington DC: American Psychiatric. 2013(1434). 5: 9
39. Rafiei Honar H. "A comparative study of insanity in jurisprudence and psychology". Journal of Jurisprudential studies to ijtihad. 2018 (1397). 2(3): 77-100. [In Persian]
40. Salehi AR, Khani M, Foroughi M. "Criminal Responsibility and mental disorder Base on DSM". Medical Law Journal. 2012 (1391). 6(23): 158-182. [In Persian]
41. Dorvashi GA, Mesri M, et al. "Investigating the cases of Lack of Judgment & Volition (Medicolegal and Criminal Law Aspects)". Iranian Journal of Forensic Medicine. 2016 (1395). 22(2): 121-128. [In Persian]
42. Majlisī, M. Biḥār al-Anwār. Beirut: Dār al-Iḥyā' al-Turāth al- 'Arabī; 2001 (1421). 72: 234. [In Arabic]
43. Akhlaghi Amiri H. "The study of the causes of lack of harmony between Fatwas of Shi'a jurists and the soul of jurisprudent". Journal of Studies of Islamic Jurisprudence and Basic of Law. 2019 (1398). 13(39): 5. [In Persian]
44. Andak SP, Rabbani Mousaviyan SA. "A comparative study of the crime of premeditated murder in Islamic jurisprudential religions and the Iraqi Penal Code with emphasis on its punishment". Journal of Jurisprudential and philosophical studies. 2020 (1399). 11(42): 15. [In Persian]
45. Ibn Bābawayh, 'A. Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh. Trans: Ghaffari, 'A. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyyat. 2006 (1385). 4: 103. [In Persian]
46. Ardibīlī, A. Majma' al-Fā'idat Wa al-Burhān Fī Sharḥ Irshād al-Adhhān. Qum: Nashr Islāmī. 1982(1403). 7: 14. [In Arabic]
47. Majlisī, M. Biḥār al-Anwār. Qum: Mar'ashī Najafī. 1984 (1406). 16: 488. [In Arabic]
48. Adabi firozjah R, Mohseni dehkalanī M, Alimoradi A. "Formulating the Rule of "La qooda liman la yoqado minh"". Journal of Justarha-ye Fighi va Usuli. 2018 (1396). 3(4): 67. [In Persian]
49. [13], 1991(1411). 29: 71. [In Arabic]
50. Mohammadi Almouti M, Jalali M, Shushtri M. "The right to life and its deprivation from the perspective of Islam and international human rights with an emphasis on suicide operations". Journal of Religious anthropology. 2017 (1396). 1(37): 148. [In Persian]
51. Foroghi Nia H, Malik S, Sadat Hosseini F. "An attitude towards the concept of human dignity in the light of Islamic jurisprudential thoughts". Journal of Ghanonyar oF Research Law. 2019 (1398). 2(5): 135. [In Persian]
52. Najafī, MB. Jawāhir al-Kalām. 2nd ed. Qum: Islāmī. 2014(1393). 40:185. [In Arabic]
53. Ṭūsī, M. al-Mabsūṭ Fī Fiqh al-Imāmīyyat. 3rd ed. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyyat li-Iḥyā' al-Turāth al-Ja'farīyyat. 1967(1387). 7:759. [In Arabic].
54. 'Āmilī, Z. al-Ruḥḍat al-Bahīyyat Fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyyat. 2nd ed. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al- 'Arabī. 1992 (1413). 10:65. [In Arabic]
55. Najm al-Dīn J. al-Sharā'ī' al-Islām Fī Masā'il al-Ḥalāl Wa al-Ḥarām. Trans: Hosseini Shirazi, SS. 2nd ed. Tehran: Istiqlāl. 1988 (1409). 4:160. [In Arabic]

56. Khoei, SA. Mabānī Takmilat al-Minhāj. 2nd. Babylon: Jāmi'at Baghdād. 2001 (1422). 1: 80. [In Arabic]
57. [30], 1989(1368). 2: 233. [In Arabic].
58. al-Nafrāwī, SA. al-Fawākih al-Ddawānī. Beirut: Dār al-Fikr. 1995 (1415). 2: 193. [In Arabic]
59. Kashnāwī, A. Ashal al-Madārik. Beirut: Dār al-Fikr. 2005 (1425). 3: 71. [In Arabic]
60. al-Tanūkhī, Q. Sharḥ Ibn Nājī al-Tanūkhī 'Alā Matn al-Risālat li-Ibn 'Abī Ziyd al-Qayrawānī. Beirut: Dār al-Kutub al- 'Ilmiyyat. 2007 (1428). 2: 308. [In Arabic]
61. Ziy'alī 'U. Tabyyīn al-Ḥaqā'iq Sharḥ Kanz al-Daqā'iq Wa Ḥashīyyat al-Shalabī. Beirut: al-Maṭba'at al-Kubrā al-Amīriyyat. 1886 (1314). 6: 105. [In Arabic]
62. Shāfi'ī M, Mazanī I. al-'Um. Beirut: Dār al-Ma'rifat. 1990 (1410). 7: 325. [In Arabic]
63. Samavati Pirouz A. "Disabled victims; From criminological requirements to criminal laws and regulations". Legal Journal of Justice. 2005 (1384). 69(53): 119.



MfJ

Medical Fighh Journal

2022; 14(44): e12

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL RESEARCH

Jurisprudential, Legal and Medical Analysis of the Insane Murder and the Challenges of its Punishment

Jamal Beigi^{1*} , Mehrdad Teymouri²

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

2. Graduate, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 27 August 2022

Accepted: 29 January 2023

Published online: 18 March 2023

Keywords:

Murderer

Murder

Punishment

Insane

ABSTRACT

Background and Aim: Retribution of the murderer in the insane murder is one of the very important issues that Islamic jurists have expressed theories and rulings about it with specific reasons. Although non-retribution of the murderer in the insane murder is not specified in the verses of the Quran, but there is a narration by Abi Basir from Imam Baqir (AS) about this. The purpose of this research is to compare and apply the verdict of insane murder from the point of view of Islamic jurists and its legal challenges.

Materials and Methods: This research was done with a descriptive analytical method and information collection was done in a library manner. Based on this, while defining insanity from a jurisprudential, legal and medical point of view, the punishment of insane murder has been investigated from the perspective of jurists of Islamic religions, and its legal challenges have been evaluated.

Conclusion: The results indicate that in a case where a sane person murder an insane person, according to the well-known Imami jurists and citing the narration of Abi Basir from Imam Baqir (a.s.) and the meaning of the phrase "La Qawda Leman La Yoqadu Minho" the murderer is not been revenge. This is contrary to the Sunni jurists' famous opinion, who believe that in the murder of an insane person, a sane murderer will be revenge. This difference in the punishment for the murder of the insane among the Imamiyyah and Sunni jurisprudents is due to the jurisprudence and principles between these religions, and since the definition of intentional murder is certain on the subject of the discussion; therefore, despite the necessity and lack of obstacles, the non-retribution of a wise man for the insane murder becomes exclusive in the case of an insan's attack and aggression.

* Corresponding Author: Jamal Beigi

Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

Email: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Cite this article as:

Beigi J, Teymouri M, Jurisprudential, Legal and Medical Analysis of the Insane Murder and the Challenges of its Punishment. *Med Fighh J* 2022; 14(44): e12.